

تصویر ۱: بخشی از نقشه تاریخی دوره مظفردین شاه قاجار (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵). طراح: روانشاد اردشیر زارع، ۱۳۲۲. محل نگهداری: بنیاد نیشابور.

Pic 1: A part of map drawn in Mozafaredin Shah Qajar period (1896 to 1907) by Ardeshir Zare in 1905 is now being preserved in Neishabour Foundation.



آشنایی با کهن‌سالترین نقشه فنی تهران

گفتگو با دکتر فریدون جنیدی، سرپرست بنیاد نیشابور

درآمد

اول بار که خبر وجود چنین سندی را شنیدم، شوقی شگرف در وجودم پدید آمد؛ کشف هر سند تازه از تاریخ این سرزمین، گامی در راه شناخت عمیق‌تر خود است. اسناد تاریخی با زبانی رمز آلود با ما سخن می‌گویند. نخستین نقشه تهران سندی است برای تفسیر درست و رمزگشایی از چرایی بسیاری ویژگی‌های تهران. خصوصیتی که معماران و شهرسازان برای بدست آوردن و اتکا به ارزش‌های تاریخی آنها برای طرح‌اندازی‌های نوین خود، بسیار محتاج آن هستند.

اگر جامی زرین با وزن سنگینی از زیر خاک بیرون می‌آید، اگرچه نمی‌توان ارزش‌های تاریخی آن را رد کرد، اما به قرینه ارزش مادی خود و قابلیت سوژه شدن برای عتیقه‌بازان، حتماً رسانه‌ها را مسحور خویش می‌کند. اما سندی پرارج که حکایت از نظام مالکیت، تقسیم تاریخی اراضی تهران، مکان‌عنصری که امروز نشانی از آنها نیست، راه‌ها و مسیرهایی که مهمترین حامل‌های حافظه تاریخی شهروندان تهران هستند و ده‌ها نکته نغز دیگر، در محاق است. بر دانایان و مدیران خردمند شهر و جامعه است که همت کنند و اسنادی که سرگذشت همه ما در آن است را پاس دارند و در نشر، ترویج و تفسیر رموز آن بکوشند تا فرزندان این سرزمین به مدد اسناد وثیق، خود را بهتر باز یابند.

سید امیر منصوری

بنیاد نیشابور (سازمان پژوهش فرهنگ ایران) با مدیریت دکتر «فریدون جنیدی» بر آن است تا به رونمایی و معرفی کهن‌ترین نقشه فنی و مهندسی تهران قدیم بپردازد.

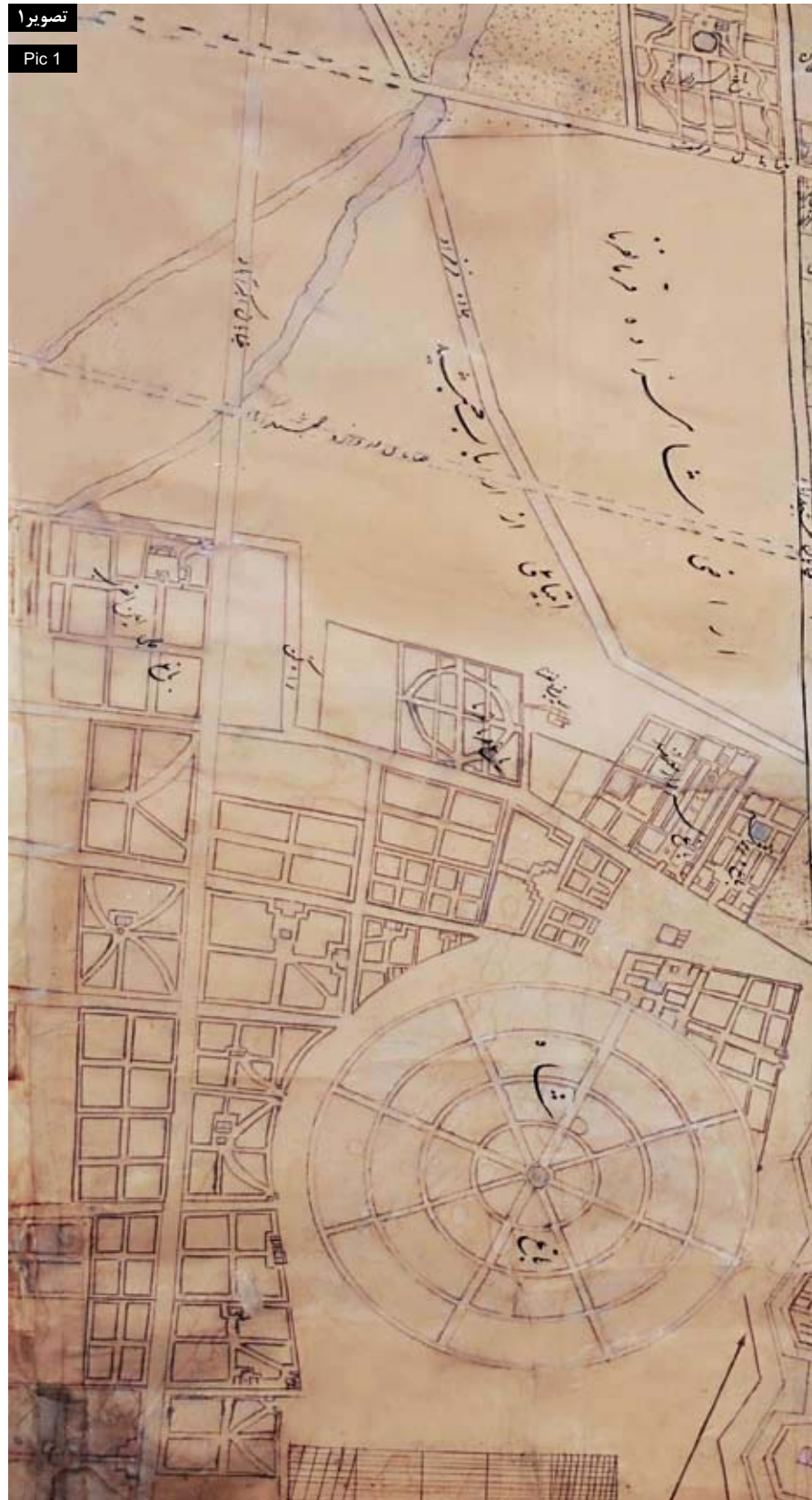
این نقشه تاریخی که در دوره مظفرالدین شاه قاجار (۱۲۷۵ تا ۱۲۸۵)، به دست روانشاد «اردشیر زارع» کشیده شده و در سال ۱۳۲۲ هجری قمری پایان یافته، اینک در گنجینه بنیاد نیشابور نگهداری می‌شود.

گمنامی چنین سندی ارزشمند ما را بر آن داشته تا در این گفتگو، به غبارروبی از چهره پیرترین نقشه پر رنگ و نگار شهر تهران بپردازیم.

استاد فریدون جنیدی، بنیانگذار و سرپرست بنیاد نیشابور، شاهنامه پژوه و استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی که عمر خود را وقف کوشش و پژوهش در راه خودباوری ایرانیان و آشنایی جوانان با شاهنامه فردوسی و آموزه‌های فرهنگی ایرانی ساخته، در این گفتگو ما را با زوایای پیدای و پنهان این نقشه شگفت‌انگیز آشنا می‌سازد:

تصویر ۱

Pic 1



دکتر جنیدی! می‌دانیم که شما سال‌ها با سرپرستی مؤسسه پژوهشی بنیاد نیشابور، به پژوهش در فرهنگ ایران می‌پردازید. خواهش می‌کنم برای آغاز گفتگو و پیش از پرداختن به بحث نقشه، درباره بنیاد نیشابور توضیح کوتاهی دهید.

این بنیاد را در سال ۱۳۵۸ با انتشار برنامه‌ای تشکیل دادم و در یک اتاق کوچک روبروی دانشگاه تهران کار بزرگ خویش را آغاز کردیم و در سال ۱۳۶۸، روانشاد مهندس کیخسرو زارع مدیر کل پیشین ساختمان و تأسیسات دانشگاه تهران، که آثار بسیاری از او در تهران بر جای مانده است، دفتر کار خود را که بر روی تنها قطعه باقیمانده از زمین بزرگ اردشیر زارع بنا شده بود، برای ارایه کار به بنیاد نیشابور داد، و این بنیاد اکنون در شمال دانشگاه تهران، خیابان جلالیه به کار بزرگ خویش ادامه می‌دهد.

در ادامه، خواهشمندم درباره قدمت و تاریخ نگارش نقشه‌ای که درباره آن گفتگو خواهیم کرد، برای ما توضیح دهید.

روانشاد اردشیر زارع که یکی از برترین شخصیت‌های ایرانی در دوران قاجار بود، به‌هنگام مظفرالدین شاه قاجار زمین بزرگی در شمال غرب تهران ناصری برای تجارتخانه جمشیدیان خرید و آن را آباد کرد، و نام «جمشیدآباد» را بر آن نهاد، و کلیه ساختمان‌های کهن این مجموعه همه بر دست وی ساخته شد، و یکی از برترین کارها ساختن استخر جمشیدآباد که خود در اندازه ۴۰×۶۰ یا دوهزار و چهارصد متر مربع آن را ساخت و نظارت کرد، و چون برای فروش برخی از بخش‌های آن زمین، خود را ناگزیر از تهیه نقشه‌ای فراگیر دید، یک تفودولیت روسی که تازه به ایران آمده بود از شخصی آلمانی بنام «شوبرت» به بهای دویست و چهل و سه تومان خرید. (این تفودولیت همراه با میرها و سه پایه‌ها هنوز در بنیاد نیشابور نگاهداری می‌شود) بگفتار خودش در خاطرات چاپ نشده‌اش بنگریم:

«... آقای میرزا عبدالرزاق خان مهندس را برداشتم خودم هم شدم شاگرد ایشان، با یکی دو نفر شاگرد مهندسی رفتیم، تمام اراضی را نقشه‌برداری کرده و در ضمن خودم هم نقشه‌برداری و زاویه‌گیری را یاد گرفتم و بعد یک دستگاه دوربین مهندسی را از یک نفر شوبرت نام مهندس آلمانی بمبلغ دویست و چهل و سه تومان خریدم. دیگر حالا هر کجا می‌خواهم، خودم نقشه برداری می‌کنم. پس از اینکه تکلیف جاری شدن آب جمشیدآباد معلوم شد خودم تمام اراضی امیرآباد و جمشیدآباد را نقشه کشیده، قطعه قطعه خیابان‌بندی کردم و برای هر ناحیه اسمی معین کردم ...» (رویه ۴۶، خاطرات اردشیر زارع، دفتر دوم). برخی نام‌ها که آن روانشاد بر خیابان‌های شمال غرب تهران نهاد، هنوز روان است، همچون جمشیدآباد (که بنام جمالزاده‌اش کردند)، امیرآباد، کوچه سیندخت، نصرت، فرصت، ...

این نقشه در سال ۱۳۲۲ قمری کشیده شد که امسال یکصد و بیست و یکمین سال را بر خود می‌گذراند.

استاد! در پاسخ به پرسش پیشین، به خاطرات منتشر نشده روانشاد اردشیر زارع اشاره کردید. لطفا در صورت امکان پیرامون این خاطرات بیشتر توضیح دهید و اینکه آیا شما تصمیم به انتشار این خاطرات دارید؟

روانشاد اردشیر زارع که من وی را با سه شخصیت بزرگ هنگام قاجار (دکتر مصدق، امیرکبیر و قائم مقام فراهانی) شایسته مقایسه می‌دانم، در زمان زندگی خویش بگونه‌ای ملی و نه وابسته به دولت، کارهای بزرگی در زمینه خدمت به ایران انجام داده است که همه را در خاطرات خویش منعکس کرده است که مجموعه بزرگی را دربرمی‌گیرد. و از آن میان یکی از کارهای او فراهم آوردن همین نقشه است، که پنج سطر از این خاطرات شگفت‌وی را دربرگرفته است، از دیدگاه زمانی نیز از هنگام ناصرالدین شاه تا فروردین ماه ۱۳۱۸ را دربردارد، و امیدوارم که بتوانیم آن را در آینده‌ای نزدیک به چاپ برسانیم.

چنانکه فرمودید این نقشه، بجز از پیشینه تاریخی، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی نیز هست که آن را از دیگر نقشه‌های قدیمی پیش و پس از خود نیز جدا می‌سازد. به ویژه آنکه این خصوصیات نسبت به زمان تهیه نقشه، بسیار خلاقانه و شگفت‌انگیز می‌نماید. از شما خواهشمندم چند نمونه از این ویژگی‌ها را توضیح دهید.

نخست اینکه نقشه مورد گفتگو یک کار کاملاً مهندسی است، و نقشه‌های دیگر که در دارالخلافه تهران بر دست مهندس‌الممالک کشیده شده است به گفته امروز، گونه‌ای کروی با دست کشیده است، و اندازه‌ها و زوایا در آن دقیق نیستند.

دیگر اینکه نقشه پیشین بر دست گروهی حقوق‌بگیر، در طی سالیان کشیده شده است، اما این نقشه به گونه کاملاً افتخاری بر دست یک ایرانی که خودش را در کشور خود، مسئول می‌شناخته کشیده شده، و گسترش تهران را به سوی شمیران نشان می‌دهد.

آنچه که مهم است و احساس مسئولیت آن بزرگمرد ایرانی را نشان می‌دهد، این است که بهای زمین در آن هنگام به گفته خود اردشیر زارع متر مربعی چهار قران ارزش داشته و خرید این دوربین به بهای دویست و چهل و سه تومان، در زمان خود برابر با بهای ۶۰۸ متر زمین بوده است.

اکنون اگر بهای زمینی را با این مساحت در همان خیابان بسنجیم، روشن می‌شود که آن روانشاد، در زمان خود چه بهای گزافی برای تهیه آن، داده است. تنها برای فراهم آوردن یک نقشه درست از تهران!

در گستره این گسترش چند منظره بسیار زیبا (به گونه‌ای که امروز مینیاتور می‌نامند) نگارگری شده است که در اندازه نمی‌گنجد. از جمله منظره درختان آتشکده پونک، قلعه حسن خان که با زیبایی هر چه تمام‌تر اجزای داخلی آن را نیز با همین گونه نقاشی کشیده است. امامزاده ونک و یکی دو ساختمان بسیار زیبا و رویایی در آن حدود. نقشه گذر کالسکه‌هایی که روی ریل حرکت می‌کردند، از میدان توپخانه و لاله‌زار، تا پایان در آن مشخص است. کوچه‌هایی از تهران قاجاریه هنوز در تهران وجود دارند، اگرچه نام آنها دگرگون شده است. میدان توپخانه و میدان مشق و باروی شمالی و غربی شهر تهران و دروازه‌های آن همه نام‌های باستانی خیابان‌ها و محله‌های شهری و بیرون شهر ...

در نقشه‌ای که مهندس‌الممالک چند سال پیشتر از این نقشه کشیده بود، کنار ساختمان سفارت انگلیس نوشته‌اند: چون اجزای سفارت بما اجازه ورود و نقشه‌کشی را ندادند، لذا از آن صرف‌نظر کردیم. اما در نقشه میرزا اردشیر نقشه‌ای هوایی ساختمان سفارت نیز کشیده شده است، زیرا که او با یکی از باغبانان سفارت آشنایی داشت و به یاری او نقشه آنجا را کشید. دلیل بسیاری از نامگذاری‌ها در این نقشه آمده است. مثلاً خیابانی که حشمت‌الدوله نامیده می‌شد (امروز نمی‌دانم نام آن چیست)، از کنار باغ حشمت‌الدوله می‌گذشته است. و خیابان ایتالیای امروز که دنباله همان نصرت است، و در زمان احداث دانشگاه آن را قطع کردند و سوی شرقی آن را ایتالیا نام نهادند. جاده‌ای در جنوب شرقی آن بنام خیابان چلواربافی است که نشان از وجود یک کارخانه پارچه بافی در خود دارد.

باغ «فیشر» رئیس پلیس اروپایی قاجاریه که مردم آن را «فیشرآباد» می‌خواندند، در این نقشه پیداست که از آن با نام «بیشر» یاد کرده است، زیرا که زرتشتیان یزد «ف» را با آوای «پ» بر زبان می‌آورند. چنانکه فردوسی را «پردوسی» می‌نامیدند... و با آنکه در زمان کشیدن نقشه خیابانی پیرامون باغ نبود، جایگاه آن در نقشه کاملاً درست و اندازه‌گیری شده است.

روستای یوسف آباد را که میرزا یوسف مستوفی الممالک (کسی که در تاریخ ایران با خوشنامی از وی یاد می‌شود) در بردارد و در راستای خیابانی که به نام او مستوفی خوانده می‌شود (و امروز نام آن را عوض کرده‌اند) در سرازیری چندین آسیا دیده می‌شود، و بیمارستانی که امروز بنام ۵۰۱ ارتش خوانده می‌شود، بدان هنگام بیمارستان وزیر نظام بوده است، و این نشان می‌دهد که در آن هنگام سلطنت غیر ایرانیان قاجار، کسانی بوده‌اند که در اندیشه مردمان دردمند باشند!

بخش‌هایی از زمین‌های شمال تهران که محصور بوده است، با رنگ آبی آسمانی نشان داده شد، و زمین‌های آزاد را با مشخصه‌های زمین از دیدگاه خاک بودن، سنگلاخ بودن، کم‌سنگ بودن همه را مشخص کرده است.

گستره جغرافیایی این نقشه چه بخش‌هایی از تهران را دربرمی‌گیرد؟ و تمرکز اصلی آن شامل چه بخش‌هایی از شهر است؟

از سوی جنوب پایین‌تر از خیابانی که آن را سپه می‌نامیدند، و امروز امام خمینی نام دارد، بسوی غرب بیرون از بارو، تا پایان باغشاه، تا حدود خیابان نواب، از شمال، شمال شهر، باروها و بیرون دروازه، باغ جلالیه (دانشگاه تهران) بسوی شمال تا شمیران و ونک از شرق، خیابان لاله‌زار و سعدی امروز، تا بارو بسوی شمال.

خیابان جاده قدیم شمیران که امروز شریعتی‌اش می‌نامند، و جاده جدید شمیران پهلوی سابق (که امروز ولیعصر خوانده می‌شود)، بدان‌زمان وجود نداشت، اما زمین‌ها و ساختمان‌ها و خیابان‌های قدیم تهران در آن نمایان است، و مرکز آن تقریباً، جمشیدآباد و باغ جلالیه است که امروز جایگاه دانشگاه تهران است.

به گمان شما در این نقشه تا به چه اندازه می‌توان آیین‌های از تاریخ و جامعه روزگار قاجاریه را نیز در دست داشت؟

بسیاری از رویدادهای تاریخی در این نقشه نمایان است، چنانکه بخش بزرگی از زمین‌های غرب جمشید آباد و تجارتخانه جمشیدیان را فرمانفرما خرید، و فرمانفرما برای آبادی آن کاریزی در زمین برآورد، که «هَرَنج» آن پایین‌تر از میدان باغشاه (حر امروز) سردرآورد، و

The Eldest Technical Map of Tehran

An interview with Professor Fereydoon Joneydi, Director of Neishabour Foundation

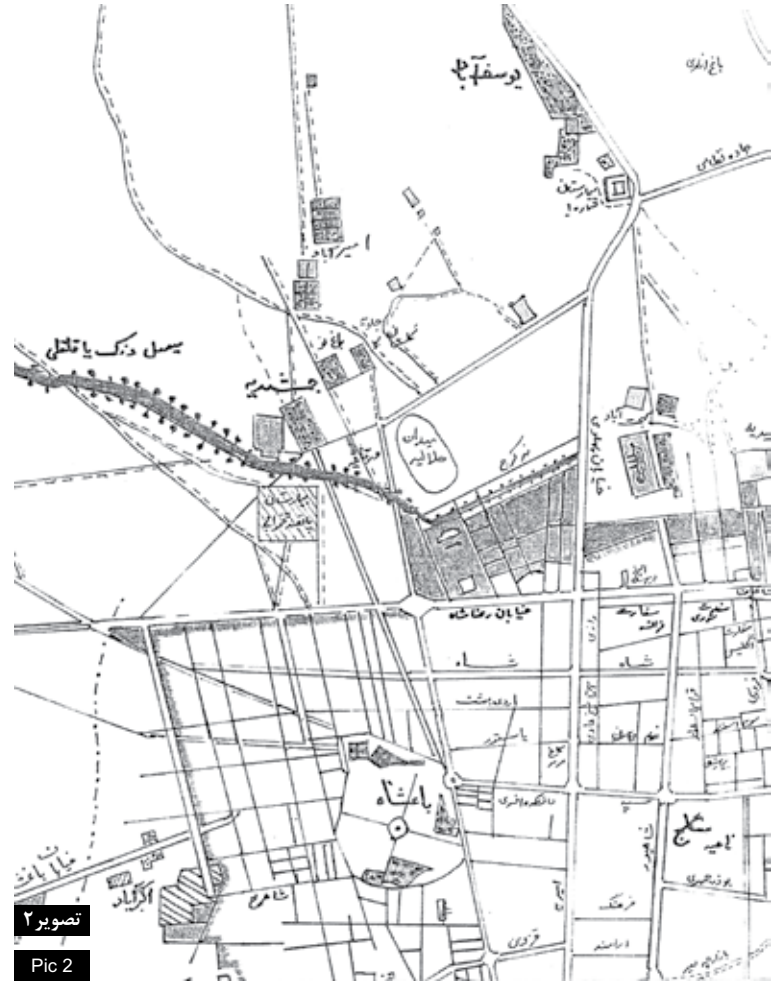
Discovering every new document in the history of this homeland will lead us to a profounder self cognition. Historical documents are in a mystic language. The earliest map of Tehran is a proving document that can interpret Tehran's characteristics which are so highly demanded for architects and urban designers, since they rely on historic values to invest in their designs. This map is a valuable document that contains property system, historic division of Tehran lands, the place of elements that are not in existence any more, the roads and paths that participate in creating and reminding the public memory and dozens of other points.

Neishabour Foundation (Iranian Culture Research Organization) directed by Dr. Fereydoon Joneydi – founder and director of the foundation, researcher of Shah Nameh and ancient culture and language professor who has devoted his life to enhance self confidence in Iranian people and introduce the Shah Nameh and its Iranian cultural lessons to younger generations – is planning on unveiling the eldest technical map of Tehran. This map which has been completed in the time of Mozafareadin Shah Qajar (1896 to 1907) by Ardeshir Zare in 1905 is now being preserved in Neishabour Foundation. Ardeshir Zare was one the well known men who bought a vast land in northwest of Tehran for Jamshidian trading firm and gradually completed multiple constructions in this land which was eventually named Jamshid Abad. One of his foremost works was the construction of 40*60 meters which is about 2400 cubic meters. He purchased a Russian theodolite for preparing a comprehensive map to sell some portions of the land. Some of the names he put for the northwest streets of Tehran such as jamshid Abad, Amir Abad, Sindokht, Nosrat, Forsat and etc are still used.

This map is distinguishable among its historic and modern peers not only for having a historic background, but also offering some unique features which are so creative and amazing for the time when it was being prepared. Firstly, it is acknowledged as an engineering map in contrary to the previous ones which had been provided by the government's engineers which were drawn by hand and didn't offer accuracy in dimensions and angles. Secondly, it is an honorary map which has been provided by a loyal Iranian who took himself responsible for his country unlike the previous ones that has been provided by salaried employers in years. This map also shows the city development toward Shemiran.

Having this map introduced to the researchers, new achievements will be expected in studies of Tehran. Dr. Fereydoon Joneydi believes that this document is to be preserved in a museum for both being introduced as a dramatic case to people and as a valuable document for students and professors.

تصویر ۲: نقشه‌ای از تهران که در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بر دست سرهنگ رضا عساری با اجازه ستاد ارتش و وزارت فرهنگ و شهرداری تهران تهیه شده است. مقایسه این نقشه با نقشه اردشیر زارع که نزدیک به نیم سده پیش از آن کشیده شده است، اهمیت کار را برجسته تر می کند. مأخذ: معتمدی، محسن. (۱۳۸۱). جغرافیای تاریخی تهران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی. Pic2. A map of Tehran prepared by colonel Reza Assari in 1944 with permission of Army Headquarters and the Ministry of Culture and the Tehran Municipality. Comparing this map with the Ardeshir Zarea's which was drawn nearly half a century before, is highlighting importance of the task. Source: Motamedi, M. (2002). Historical Geography of Tehran, Tehran: Markaz-e nashr-e daneshgahi.



تا سال‌ها آنرا بنام «قنات فرمانفرما» می‌خواندند، که پس از قنات شاه که در شمال شرق شهربانی کل کشور مورد بهره‌برداری بود، اهالی غرب تهران از آن قنات آب می‌گرفتند. محمدعلی شاه در بخشی از همان زمین‌های فرمانفرما، باغ و کاخی بنام باغشاه ساخت که در همان باغ بسی از مشروطه‌خواهان را بدار کشیدند، و تا آنجا که من می‌دانم نقشه‌ای از آن کاخ در دست نیست، و در این نقشه جایگاه کاخ و باغ، و نقشه هوایی آن کاخ دیده می‌شود. چنانکه در شمال آن، باغ فرمانفرما نیز دیده می‌شود. در بخشی از زمینی که امروز دبیرستان انوشیروان دادگر قرار دارد، جایگاه گورستان وبائیان سال ۱۳۱۲ (قمری) روشن است. در محلی که امروز خیابان ارفع قرار دارد، دو بخش زمین کنار هم از سوی میرزا ملکم خان و ارفع‌الدوله، که هر دو عضو یک دستگاه سیاسی-فرهنگی جهانی بودند، و پیوستگی آنها از روی پیوستگی زمینشان نیز پیداست.

به عنوان آخرین پرسش، و ضمن سپاسگزاری از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما قرار دادید؛ با توجه به توضیحاتی که فرمودید، آشنایی بسیاری از پژوهشگران با این نقشه، دریچه‌ای تازه را به روی مطالعات تهران‌شناسی خواهد گشود. فکر نمی‌کنید که بایستی این نقشه در جایگاه بزرگتری برای مطالعه جغرافی دانان، استادان و دانشجویان شهرسازی و نقشه برداری و مهندسی عرضه شود؟

آنچه که در توان ماست همین مکان کوچک بنیاد نیشابور است، در شمال دانشگاه تهران، بر روی زمینی که روانشاد اردشیر زارع خرید، و تا زنده بود سند آنرا نمی‌دادند. و پس از مرگ او زمین به فرزندانش رسید.

البته بنده هم چنین می‌اندیشم که بایستی این نقشه در گنجینه‌ای (موزه) بزرگ جای داشته باشد، تا هم به عنوان یک پدیده شگفت نقشه‌کشی سده پیش به بینندگان عرضه شود، و هم استادان و دانشجویان رشته‌های یادشده از آن بهره ببرند. بایستی چنین موسسات خواهان آن باشند!